صدای نخبگان شهید هنوز در کلاس‌ها شنیده می‌شود

شهادت ۲۱ دانشجو در حمله رژیم صهیونیستی، جامعه دانشگاهی کشور را در بهت و اندوه فرو برد؛ اما این فاجعه، به نمادی از وحدت و ایستادگی علمی بدل شد.

سحرگاه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴، موجی از اخبار تلخ ابتدا در شبکه‌های اجتماعی، سپس در رسانه‌های رسمی پخش شد: «حمله رژیم صهیونیستی به تهران». دقایقی بعد، صداوسیما و تمامی خبرگزاری‌های رسمی اعلام کردند: «در حمله رژیم صهیونیستی به ایران جمعی از برجسته‌ترین دانشمندان، نخبگان علمی شهید شدند». در این میان نیز ۲۱ تن از دانشجویان فرهیخته شهید شدند. جوانانی که از کلاس درس تا عرصه علم، با انگیزه خدمت و پیشرفت، قدم برمی‌داشتند.

به نقل از خبرگزاری دانشجو؛ اولین تماس با خانواده‌ها مهر غم‌انگیز را بر دل مالید. مادری گفت: «فرزندم در خوابگاه نبود، به کلاس نرفته بود. فقط گفته بود شب باید جایی برود؛ من باورم نمی‌شد.» پدری در اهواز با بغض اعلام کرد: «هرروز تماس می‌گرفت، از پروژه‌های دانشگاه حرف می‌زد. آخرین‌بار سلام کرد و خداحافظ.»

در پایان تماس‌ها، خبری از نوشتن روایت نبود. گویا کلمات دیگر نمی‌توانستند آنچه را که در دل‌ها بود، بیان کنند. ایران برای غم جوانانش گریست. در میان این فضای سنگین، روزهایی در یادها باقی‌می‌ماند که برای تشییع یا ختم شهدای عزیز دانشگاه به آنجا می‌رفتیم. هربار که در محوطه دانشگاه جمع می‌شدیم، به یاد آن لحظات، قلب‌هایمان پر از درد و دلتنگی می‌شد.

دانشجویان در گوشه و کنار محوطه باز نشسته بودند. برخی با صورت‌های خیس از اشک، در سکوت غم‌انگیز خود فرو رفته بودند و برخی دیگر عکس‌هایی از همکلاسی‌هایشان که دیگر در میانشان نبودند، در دستانشان فشرده بودند. چفیه‌های مشکی که در آن روزها به نمادی از عزاداری تبدیل شده بود، در دستان برخی از دانشجویان نمایان بود. این چفیه‌ها نه‌تنها نشانی از داغی بزرگ، بلکه یادآور فداکاری‌ها و ایستادگی‌هایی بود که برای کشور و وطن عزیزمان انجام شده بود.

در آن روزها، محوطه دانشگاه‌ها پر از حس و عاطفه‌ای بود که هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد. هر گوشه‌ای از دانشگاه، خود گواهی از ایثار و فداکاری بود؛ و در میان این همه غم، یک پیامی روشن و قطعی در دل هر دانشجو نهفته بود یاد آنها، نه‌تنها در دل این محوطه، بلکه در دل هر ایرانی، تا همیشه زنده خواهد ماند.

پوستر بزرگ شهدای دانشجو بر دیوار نصب شده بود تصویری از ۲۱ چهره، قاب‌هایی از گل لاله، و نوشته‌ای که حکایت از شهادت دانشجویان در حملات صهیونیستی می‌کرد؛ جلوتر رفتم و از دانشجویان پرسیدم: «حستان چیست؟» یکی گفت: «یک حس تهی؛ انگار چند تکه از خودمان را باد برده است.» دیگری با صدایی خفته گفت: «آنها آرزوهایشان نصفه باقی‌ماند کنفرانس‌های علمی، پایان‌نامه، زندگی مشترک؛ همه‌اش نیمه‌تمام ماند.»

در دوازده روز پرالتهاب جنگ تحمیلی، که در تاریخ ایران به عنوان یک دوره‌ی حساس ثبت شد، ۲۱ شهید دانشجو جان خود را فدای میهن کردند. شهیدان دانشجو، جوانانی بودند که همچون دیگر هموطنانشان در برابر حملات بی‌رحمانه دشمن، از کشور شهید شدند. اما این جوانان، بسیاری از آنان در دانشگاه‌ها به تحصیل مشغول بودند و آینده‌ای روشن برای خود و جامعه‌شان تصور می‌کردند، اما متأسفانه رژیم صهیونی اسرائیل آنها را شهید کرد.

در میان این ۲۱ شهید دانشجو، برخی از آنها در رشته‌های مختلف علمی تحصیل می‌کردند و برخی دیگر در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نقش برجسته‌ای داشتند. این شهیدان نه‌تنها در کلاس‌های درس و دانشگاه‌ها در حال فعالیت و پیشرفت بودند.

سارا جودت، دانشجوی عکاسی بود که زندگی را از دریچه دوربینش ثبت می‌کرد. پروژه‌ای در دست داشت با عنوان «زن در جنگ» که تقدیر تلخ او را قاب کرد. همکلاسی‌اش پس از حمله به خانه‌شان فقط تکه‌هایی از لحظات ثبت شده‌اش را یافت. زهرا شمس‌بخش، دختر قائم‌مقام وزیر علوم، پژوهشگری پرشور بود که قصد داشت روایت جنگ را در رسانه‌ها تغییر دهد. دفاعیه‌اش درباره «روایت جنگ در رسانه‌ها» در میان صدای جنگ بی‌صدا ماند و صندلی‌اش در کلاس خالی شد.

یاسمین باکوئی، دانشجوی شریف، در آستانه دفاع از پایان‌نامه‌اش بود. پروژه‌ای در زمینه اینترنت اشیا داشت که با تلاش فراوان در حال تکمیل آن بود. حمله به خانه‌اش تمام زندگی‌اش را ویران کرد و فرصت دفاع از پایان‌نامه‌اش را از او گرفت. استادش در وصف یاسمین می‌گوید که او نه‌تنها از نظر علمی بی‌نظیر بود بلکه با اخلاقی عالی و لبخندی همیشگی که در چهره‌اش نمایان بود، در دل همه جاودانه ماند. در میان جنگ و ویرانی، این دانشجویان پر از امید و تلاش، یادگارهایی از خود به‌جا گذاشتند که همچنان در دل‌ها می‌درخشند.

یاد و خاطره این شهیدان همیشه در دل دانشگاه‌ها و مراکز علمی زنده خواهد ماند. نام و یاد آنها در کنار دستاوردهای علمی کشور، در تاریخ این سرزمین نقش بسته است. بسیاری از مراکز دانشگاهی و علمی کشور به یاد این شهیدان، بنیادهای علمی و فرهنگی تشکیل داده‌اند و در تلاش‌اند تا راه آنان را ادامه دهند. مراسم‌های بزرگداشت، یادواره‌ها و فعالیت‌های علمی که به نام این شهیدان برگزار می‌شود، همچنان نسل‌های جدید را به اهمیت ایثار، فداکاری و وحدت ملی در برابر دشمنان آگاه می‌کند.

حادثه‌ای تلخ و دردناک، داغی بر دل جامعه دانشگاهی و علمی کشور گذاشت، اما همان‌طور که همیشه در تاریخ این سرزمین رخ داده است، از دل این شکست‌ها، قدرتی نو و شور و همگرایی جدیدی به وجود آمد. در روزهایی که سوگ و درد از دست دادن جوانان برومند این سرزمین دل‌ها را شکسته بود، اما این فاجعه نه‌تنها نتوانست بر عزت و اراده ملت اثر منفی بگذارد، بلکه جرقه‌ای شد برای همگرایی بیشتر در میان دانشجویان، محققان، نخبگان علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور. این اتحاد به شکلی درخشنده در قالب تشکیل قرارگاه‌ها، نامگذاری معابر به نام شهدای علمی و فرهنگی و حتی بنیادهایی که یاد و خاطره آنان را زنده نگه می‌داشتند، نمایان شد. در این مسیر، شهدای علمی و فرهنگی ما به عنوان نمادهایی از ایثار و فداکاری در راه علم و پیشرفت جامعه شناخته شدند. ادامه مسیر شهدای علمی از طریق گرامیداشت دستاوردهای علمی آنان، برگزاری مراسم یادبود، تحقیقات و بنیادهای علمی، باعث شد تا این نسل به الگویی از مقاومت و سربلندی تبدیل شود.

حملات به انسان‌ها نه‌تنها به عنوان فرد، بلکه به عنوان نمادهایی از علم، فرهنگ و دانش‌ورزی، نشان‌دهنده توطئه‌هایی است که قصد دارند سرمایه علمی این کشور را در معرض تهدید قرار دهند. حمله به نخبگان علمی و فرهنگی کشور، به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، نه‌تنها برای تضعیف نهادهای علمی و فرهنگی است، بلکه برای شکستن روحیه مقاومت و ایستادگی این ملت و ترساندن نسل جوان از ادامه مسیر علم و پیشرفت است. در چنین شرایطی، اما دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور از خود پیام روشنی ارسال کردند: «ما نمی‌هراسیم.» این پیام، آوای مقاومت و ایستادگی بود که در تمام دانشگاه‌های کشور پیچید و به همه نشان داد که هیچ‌چیز نمی‌تواند اراده ملت ایران را برای ادامه مسیر علمی و پژوهشی متوقف کند. در کنار هم، نه‌تنها به تلاش‌های علمی ادامه خواهیم داد، بلکه با دستان پرتوان خود، سرزمین‌مان را در مسیر پیشرفت و رفاه علمی و اجتماعی پیش خواهیم برد. اسامی شهدای علمی و فرهنگی در تاریخ این مرز و بوم برای همیشه ثبت خواهد شد. در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، نام آنان همچنان در کنار نام نخبگان بزرگ این سرزمین خواهد درخشید.

اسامی که نه‌تنها در کتاب‌ها و مقاله‌ها، بلکه در دل هر دانشجو و محقق، جاودانه خواهند بود. روایت زندگی و دستاوردهای آنان در مستندها، مقالات علمی، کتاب‌ها و کنفرانس‌های علمی، به نسل‌های آینده منتقل خواهد شد. این روایت‌ها نه‌تنها بخشی از تاریخ کشور، بلکه بخش عظیمی از حرکت علمی و فرهنگی این مرز و بوم خواهند بود. علاوه بر این، مراسم‌های بزرگداشت و داوری‌های علمی به نام آنان برگزار خواهد شد تا همگان بدانند که حتی در شرایط سخت، علم و اندیشه از بین نمی‌روند و همچنان زنده خواهند ماند. این مراسم‌ها و داوری‌ها همچون چراغی در دل شب، مسیر روشن پیشرفت علمی و فرهنگی کشور را نشان خواهند داد. زندگی و فداکاری‌های آنان به عنوان الگویی برای جوانان، در کنار علم و دانش، همواره در تاریخ این سرزمین ثبت خواهد شد.

دلنوشته‌ای درباره تشییع و تدفین شهید طهرانچی

از سنگر علم و ایمان تا فرجام شهادت

در صحن دل‌شکسته عبدالعظیم، جایی برای تابوت نبود؛ چراکه محمدمهدی طهرانچی را نه با پیکر، که با اندیشه‌اش بدرقه کردند. آمده بودند تا با چشمانی اشک‌آلود و دل‌هایی استوار، به مردی که دانشگاه را سنگر علم و ایمان می‌دانست، بگویند: راهت ادامه دارد، نه به رسم سوگواری، که به رسم مسئولیت. جمعه، عصر سوم مردادماه ۱۴۰۴، آفتاب داغ تابستان تهران هنوز کامل پشت کوه‌ها پنهان نشده بود که حیاط مصلی امام علی(ع) در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم‌حسنی(ع)، میزبان قلب‌هایی شد که با داغی مشترک می‌تپیدند؛ داغ فراق مردی که علم، دین، سیاست و انسانیت را در جان خود تنیده بود. شهید هسته‌ای محمدمهدی طهرانچی، رئیس فقید دانشگاه آزاد اسلامی، در اربعین شهادتش، همچنان الهام‌بخش جمعی بود که آمده بودند تا برای آخرین‌بار او را بدرقه کنند، نه با تابوت، بلکه با عهد. از همان ابتدا، حضور مردم از اقشار مختلف، مسئولان علمی و فرهنگی، استادان دانشگاه، دانشجویان و خانواده‌های شهدا نشان می‌داد که این یک مراسم معمولی نیست. صحن، حال و هوای یک زیارت سیاسی- معنوی داشت؛ گویی هرکسی آمده بود تا قطعه‌ای از یاد و باور شهید طهرانچی را با خود مرور کند.

همین‌که پایم به صحن رسید، حس غریبی تمام وجودم را گرفت. قدم‌هایم آرام‌تر شده بود. این‌بار زیارت، بوی اشک داشت؛ این‌بار آمده بودیم تا برای اربعین مردی قرآن‌پژوه و دانشمند، سر فرود بیاوریم که ناجوانمردانه در حمله‌ای تروریستی توسط رژیم صهیونیستی، به شهادت رسیده بود. در دل می‌گفتم: ای کاش این اتفاق، فقط یک خواب کوتاه بود. کاش هنوز می‌شد صدای این استاد را در کلاس درس شنید.

در مسیر، ذهنم مدام سمت آخرین مصاحبه‌ای که با وی داشتم می‌رفت. با آرامش همیشگی‌اش، از خاطره‌ای مشترک با شهید آیت‌الله رئیسی می‌گفت. آن روز در کلامش، چیزی فراتر از خاطره بود؛ آینده‌ای روشن از وحدت علم و سیاست اسلامی را ترسیم می‌کرد. حالا، با گذشت چهل روز، صدای آن گفت‌وگو هنوز در گوشم زنده بود. با نزدیک شدن به آغاز مراسم، مصلی امام علی(ع) رفته‌رفته پر شد. موج مردم از هر طرف می‌آمد. نه‌تنها برای عزاداری، بلکه برای ابراز وفاداری به راه کسی که باور داشت «دانشگاه باید خاستگاه تمدن باشد، نه‌صرفاً مدرک‌خانه‌ای بی‌روح». جای‌جای صحن، پُر از حضور بود. فرزندان شهید، آرام و استوار ایستاده بودند. نه اشکی در چشمانشان، نه لرزشی در صدایشان. گویی با تمام جانشان، میراث‌دار پدری بودند که ایستادن را به آنان آموخته بود. در میانه مراسم، عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، پشت تریبون رفت. با صدایی گرفته اما محکم گفت: شهید طهرانچی مدیری حکیم و راه‌حل‌محور بود؛ مدیری که به‌جای شکایت، همیشه پیشنهاد داشت. همواره بر عقل جمعی و ارزش‌های اسلامی تأکید می‌کرد. شهادت او و خانواده‌اش، تنها یک جنایت علیه یک فرد نبود؛ بلکه حمله‌ای علیه هویت علمی و ملی ما بود. وی از سکوت نهادهای بین‌المللی و بی‌عملی مجامع حقوق بشری گفت. از اینکه دنیای مدعی عدالت، چشم خود را بر این ترور بسته و تنها نظاره‌گر است. اما درست در همین‌جا بود که بر یک اصل کلیدی تأکید کرد: تکیه بر توان داخلی، به‌جای انتظار از نهادهای جهانیِ وابسته به استکبار.

در ادامه، رحیمی، مدیرکل حوزه ریاست استان البرز، با صدایی آمیخته از بغض و احترام، به خاطره‌ای اشاره کرد و گفت: سال‌هاست که نگران بودیم؛ اگر روزی اتفاقی برای دکتر بیفتد، چه کسی بار این مسئولیت را به دوش خواهد کشید؟ شهید طهرانچی همه‌چیز داشت. دانش، مدیریت، اخلاق و دوراندیشی داشت. کسی نمی‌تواند جای او را پر کند. چراکه او فقط یک مدیر نبود، بلکه معمار نسل آینده دانشگاه بود.سخنانش با سکوتی سنگین در جمع همراه شد. سکوتی که بلندتر از هر فریادی بود.در همین حین مدیحه‌سرایی‌ها آغاز شد. صدا در صحن می‌پیچید و اشک‌ها بی‌اختیار جاری می‌شد. دیگر کسی نمی‌توانست خودش را نگه دارد. نجوایی از میان جمع به گوش می‌رسید: کاش امسال هم، پا به پایمان در پیاده‌روی اربعین بود. او هر سال خودش جلوتر از همه حرکت می‌کرد. با لبخندی که خستگی را از جان همه می‌برد.

در گوشه‌ای از صحن، صدای گریه‌های آرام دختری در میان همهمه جمعیت، توجهم را جلب کرد. چهره‌ای آرام اما غم‌زده داشت و اشک‌هایی بی‌صدا از صورتش جاری بود. به سمتش رفتم و در سکوت کنار او نشستم. وقتی متوجه حضورم شد، نگاه کوتاهی کرد و با صدایی آهسته اما متین گفت: از شاگردان دکتر طهرانچی هستم. هنوز صدای ایشان در گوشم زنده است؛ روزی که در ترم اول، با تردید و احترام از ایشان پرسیدم چرا با وجود مسئولیت‌های فراوان، همچنان تدریس را ادامه می‌دهند. لحظه‌ای مکث کرد و ادامه داد: لبخند زدند و گفتند اگر مدیر از آموزش جدا شود، دیگر نبض دانشگاه را نخواهد فهمید. آن روز، این جمله برایم تنها یک پاسخ بود. اما امروز، معنای عمیق آن را درک می‌کنم؛ معنایی که چیزی کمتر از پدری برای یک نسل نبود. اکنون که در میان ما نیستند، احساس می‌کنم بخشی از امید و آینده‌مان با او رفته است. با این حال، دکتر نرفته‌اند؛ بلکه چراغ راه را به دست ما سپرده‌اند تا راهی را که آغاز کرده بود، ادامه دهیم. مراسم به پایان رسید، اما کسی دلِ رفتن نداشت. صحن، دیگر شبیه قبل نبود. سکوتی دلنشین، میان جمعیت پخش شده بود. نه، این یک پایان نبود. اینجا، آغازی دوباره بود برای راهی که او با خون خود مهر تأیید زد.

بحران پنهان‌سازی در دانشگاه‌های انگلستان

گزارش‌های جدید نشان می‌دهد که تعداد تعدیل نیروها در آموزش عالی انگلستان ممکن است بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که پیش‌تر تصور می‌شد؛ طبق تحقیقات جدید، بیش از ۲۰ هزار موقعیت شغلی ممکن است تحت تأثیر قرار گرفته باشند.

به گزارش ایسنا، ربکا هریسون، استاد سابق دانشگاه آزاد انگلیس، گفته است که شدت کاهش امنیت شغلی در دانشگاه‌ها «نگران‌کننده» است و اضافه‌کرده که مؤسسات آموزش عالی درباره میزان واقعی این تعدیل‌ها شفاف عمل نکرده‌اند.

هریسون، به همراه دیویدهاروی، خزانه‌دار سابق اتحادیه دانشگاه‌ها و دانشکده‌های انگلستان (UCU)، پس از انجام یک نظرسنجی از ۳۴۹ نفر از کارکنان دانشگاهی در ۹۷ مؤسسه آموزش عالی، تخمین زده‌اند که آمار رسمی منتشرشده درباره تعدیل‌ها در این بخش، به‌شدت کمتر از واقعیت است.

این گزارش برآورد می‌کند که در حالی که ۸,۹۰۰ نفر در ۱۶۵ مؤسسه آموزش عالی درگیر یا قربانی اخراج‌های اجباری شده‌اند، حدود ۱۱,۵۰۰ نفر دیگر تحت تأثیر «اخراج‌های پشت‌پرده» قرار گرفته‌اند. این موارد شامل استعفای داوطلبانه همراه با مزایا، توقف روند استخدام، تمدید نشدن قراردادهای کوتاه‌مدت و سیاست‌های اخراج و استخدام مجدد می‌شود.

این آمار از برآوردهای قبلی فراتر می‌رود؛ به طوری که اتحادیه UCU در اوایل امسال پیش‌بینی کرده بود که تا پایان سال تحصیلی جاری، ۱۰ هزار نفر از کارکنان ممکن است این بخش را ترک کنند.

در این نظرسنجی، ۸۶ نفر گزارش داده‌اند که دانشگاه آنها اقدام به انجماد استخدام کرده و ۷۸ نفر از تمدید نشدن برخی از قراردادهای کوتاه‌مدت خبر داده‌اند.

پژوهشگران می‌گویند این تعدیل‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر کیفیت آموزش، تحقیق و آزادی علمی گذاشته‌اند. این نظرسنجی نشان می‌دهد ۲۱ درصد از شرکت‌کنندگان ادعا کرده‌اند که انتخاب افراد برای اخراج، با انگیزه انتقام از فعالیت‌های اتحادیه‌ای بوده و ۳۶ درصد احساس کرده‌اند که افراد منتقد مدیریت، به طور عمدی هدف قرار گرفته‌اند. همچنین ۳۶درصد دیگر گفته‌اند که پس از اخراج‌ها، آزادی علمی دچار خدشه شده است. یکی از افراد شرکت‌کننده در گزارش گفته است: مثل این بود که شاهد تولد فاشیسم باشیم، زیرا همکارانی که برای اخراج هدف قرار گرفته بودند، عمدتاً از دیگران جدا و منزوی شده بودند.

هریسون این‌طور استدلال می‌کند که موقتی‌سازی نیروی کار در این بخش- یعنی گرایش به قراردادهای کوتاه‌مدت به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی- آزادی علمی را نیز تحت تأثیر قرار داده است، زیرا پژوهشگران نمی‌خواهند بحث‌برانگیز یا منتقد مدیریت به‌نظر برسند، چراکه همیشه باید دنبال موقعیت شغلی بعدی باشند.

هاروی، استاد سابق دانشگاه لستر نیز هشدار داد که قراردادهایی که بین بانک‌ها و دانشگاه‌ها بسته می‌شود، می‌تواند تا دهه‌ها (در بعضی موارد تا ۵۰ سال) بر وضعیت مالی دانشگاه‌ها تأثیر بگذارد و بحران مالی این بخش را طولانی‌تر کند. او همچنین تأکید کرد که این قراردادها معمولاً بسیار محرمانه هستند.

به طور کلی، این نظرسنجی نشان می‌دهد ۹۱درصد از کارکنان شاهد بدتر شدن شرایط کاری خود بوده‌اند، از جمله کاهش همدلی در محیط کار و افت روحیه پس از اخراج‌ها. همچنین ۹۰درصد از آنها بروز اضطراب، استرس، افسردگی یا سایر مشکلات سلامت روان را به عنوان پیامد فرآیندهای اخراج ذکر کرده‌اند.

سیاستگذاری جدید آموزش عالی در تبعیت از دستور مهم رهبر انقلاب

وزارت علوم تحقیقات و فناوری در توضیح تصمیمات راهبردی جدید در تبعیت از دستور مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کرد.

در پی تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ضرورت شتاب علمی در پیام خود به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران و دانشمندان هسته‌ای، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: جامعه دانشگاهی خود را مدیون این مردم شریف و تاریخ سرافرازانه آنان می‌داند و از این رو در شرایط پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه، با عزمی راسخ و برنامه‌ریزی جامع در تبعیت از سیاست‌های کلان نظام تمام توان خود را در جهت ارتقا امنیت و کیفیت زندگی مردم و افزایش توان و قدرت ملی ایران به‌کار خواهد گرفت و از آغاز اجرای سیاست‌های راهبردی جدید برای جهش علمی کشور خبر داد. در این بیانیه آمده است: در جهان پرتلاطم امروز، قدرت علمی یکی از ارکان اصلی اقتدار ملی و رفاه اجتماعی کشورها به‌شمار می‌رود. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیرو دستور مقام معظم رهبری، با درک عمیق از ضرورت تحول بنیادین در نظام آموزش عالی، اقدام به برداشتن گام‌های مهمی در مسیر اجرای سیاست راهبردی نوین کرده تا بتواند مسیر جهش علمی ایران را هموار سازد.وزارت علوم اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران در آستانه برهه نوینی قرار گرفته است، زمانی که در آن دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی باید نقش محوری در حل چالش‌های ملی، تولید فناوری‌های راهبردی، تقویت همدلی و انسجام ملی و ارتقاء جایگاه ایران در عرصه جهانی ایفا کنند. وزارت علوم در این مسیر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود، بسته سیاستی جدیدی را تدوین و اجرا می‌کند.

در این بیانیه آمده است: با توجه به چالش‌های ساختاری، شکاف عملکردی و ضعف ارتباط میان دانشگاه و جامعه، وزارت علوم تحقیقات و فناوری با هدف ارتقاء کیفیت آموزشی و پژوهشی، سیاستگذاری جامع و یکپارچه‌ای را آغاز کرده تا زیرساخت‌های تحول در نظام آموزش عالی کشور فراهم شود، باید باور کنیم که در جهان امروز، علم است که آینده رفاه و امنیت ما را رقم می‌زند. بدون سیاست‌هایی که مبتنی بر شواهد علمی باشند در تاریکی قدم خواهیم زد، سرنوشت نسل‌های آیندهی ایرانیان منوط به سیاست‌هایی است که امروز درباره نهاد علم اتخاذ می‌کنیم. وزارت علوم اعلام کرد: ایفای نقش بی‌بدیل دانشگاه ایرانی، در «انسجام و تقویت هویت ملی» و تحقق «جهش علمی و فناورانه» در جهت ارتقاء امنیت و کیفیت زندگی مردم شریف ایران، مستلزم بازنگری عمیق در حکمرانی دانشگاهی و نظام ارزیابی سیاست‌های علمی کشور است. وزارت علوم با اتکاء به حمایت‌های داهیانه مقام معظم رهبری و با بهره‌مندی از تجارب داخلی و جهانی و با رویکردی شفاف، پاسخگو و آینده‌نگر مسیر اصلاح و نوسازی نظام آموزش عالی را آغاز خواهد کرد. براساس این بیانیه، نهاد علم در ایران نیازمند بازنگری‌های زیر است: «کیفیت آموزش و پژوهش» باید در کانون بازنگری‌ها و تحولات نهاد علم قرار گیرد. هیچ تحولی بدون شکل‌گیری «اجماع» و «مشارکت فعال» جامعه دانشگاهی اعم از استاد، دانشجو و کارمند ممکن نیست. حل چالش‌های حوزه علم و فناوری جز با شکل‌گیری «اراده سیاسی فرابخشی» ممکن نیست و لازم است تا همه بخش‌های دولت و حاکمیت به کمک نهاد علم بیایند.

با توجه به تحولات جهانی و داخلی، تحول در «مدیریت منابع انسانی» نهاد دانشگاه، به هدف نگهداشت و جذب نخبگان علمی، حمایت از جوانان خلاق و نوآور و جایگزینی معیارهای کیفی مانند تأثیر اجتماعی و نوآوری و طراحی سازوکارهای نظام انگیزشی رقابت-پذیر برای حمایت از نقش‌آفرینان و شتاب‌دهندگان اصلی علم و فناوری ضروری است. نظام جذب دانشجو و استاد با هدف ارتقای عدالت اجتماعی و مبتنی بر مشارکت هسته سخت ۹۰ میلیونی نظام و ایجاد دلگرمی و حس تعلق جمعی فراگیر در هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باید بازنگری و اصلاح شوند. بازنگری و بازبینی نقش وزارت علوم در حکمرانی علمی در حوزه سیاستگذاری و راهبری کلان نهاد علم. در جهت تحقق علم نافع و ایفای نقش مسئولیت اجتماعی دانشگاه، پژوهش‌های کاربردی و معطوف به حل مسائل ملی مورد حمایت خاص قرار خواهند گرفت. توجه راهبردی به موضوع «مرجعیت علمی»، به عنوان بخشی کلیدی از سیاست‌های علمی کشور. حمایت دولت و مجلس در جهت توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری مانند تجهیز آزمایشگاه‌ها، توسعه پارک‌های فناوری و دسترسی به منابع علمی جهانی ضروری است.جامعه دانشگاهیان و محققان ایرانی خارج از کشور، ظرفیت ممتاز کشور ایران هستند و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری زمینه‌های متنوع برای ارتباط علمی با این سرمایه‌های ایرانی را فراهم خواهند کرد.

دیپلماسی و تعاملات علمی به‌ویژه با کشورهای دوست، منطقه و قدرت‌های نوظهور جهانی مورد حمایت ویژه قرار خواهند گرفت.

به منظور تحقق اهداف راهبردی کشور در حوزهی علم و فناوری، اجرائی کردن ظرفیت‌های قانونی محقق نشده در جهت حمایت مالی از مگاپروژه‌های پیش‌برنده علم و فناوری، جهش در زیرساخت‌های دیجیتال و داده‌محور و حفظ منزلت نخبگان علمی ضروری است. وزارت علوم اعلام کرد: در پایان به استحضار مردم شریف ایران می‌رساند که جامعه دانشگاهی خود را مدیون این مردم شریف و تاریخ سرافرازانه آنان می‌داند و از این‌رو در شرایط پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه، با عزمی راسخ و برنامه‌ریزی جامع، در تبعیت از سیاست‌های کلان نظام تمام توان خود را در راستای ارتقا امنیت و کیفیت زندگی مردم و افزایش توان و قدرت ملی ایران به‌کار خواهد گرفت.

همچنین سازمان سنجش آموزش کشور نیز در پی تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ضرورت شتاب لازم در پیشرفت دانش و فناوری با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «مشارکت در پیشرفت و تعالی کشور با بهسازی نظام سنجش و ارزشیابی آموزش کشور» میسر است و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد شد.

در این بیانیه آمده است: «رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت چهلم شهدای نبرد با رژیم صهیونیستی بر شتاب لازم در پیشرفت دانش و فناوری در همه بخش‌ها و همچنین جدیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور به عنوان وظیفه همه دستگاه‌های مسئول اجرائی تأکید فرمودند لذا توجه به راهبرد، مأموریت و وظایف سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان یکی از ارکان بنیادین در توسعه علمی و فناورانه در کشور ضرورت دارد.

نظام سنجش و پذیرش دانشجو نه‌تنها مسیر ورود نسل جوان به عرصه آموزش عالی را مشخص می‌کند، بلکه به صورت مستقیم بر آینده علمی، پژوهشی و اقتصادی کشور اثرگذار است. در دنیای امروز که محور اصلی پیشرفت، دانش و فناوری است، بهره‌گیری از یک نظام سنجش عادلانه، علمی، دقیق و متناسب با نیازهای واقعی جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است و این نظام باید بتواند استعدادهای ناب را شناسایی، آنها را به درستی هدایت و فرصت‌هایی برابر برای رشد و شکوفایی فراهم آورد.

شایسته‌سالاری در پذیرش دانشجو، تضمین‌کننده تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهدی است که موتور محرک پیشرفت کشور در زمینه‌های علمی، صنعتی، پزشکی، فرهنگی و فناوری خواهند بود.

سازمان سنجش آموزش کشور در دوره جدید، راهبرد «مشارکت در پیشرفت و تعالی کشور با بهسازی نظام سنجش و ارزشیابی آموزش کشور» را سرلوحه امور قرار داده و برای ایفای نقشی پررنگ‌تر برای پیشرفت دانش و فناوری از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

ایجاد شور و نشاط علمی در جامعه علمی و دانشگاهی با برگزاری با کیفیت آزمون‌های علمی، برگزاری المپیاد علمی دانشجویی برای شناسایی نخبگان، تدارک نیروی انسانی تحول‌گرا و تأمین درونداد مناسب برای تحول در آموزش عالی بخشی از اقدامات این سازمان برای ایفای نقش در شتاب لازم در پیشرفت علمی کشور است و به یقین یک نظام سنجش و پذیرش کارآمد، منصفانه و آینده‌نگر، نه‌تنها مسیر تعالی فردی را برای جوانان فراهم می‌کند، بلکه پایه‌گذار جامعه‌ای پویا، نوآور و دانش‌محور خواهد بود؛ جامعه‌ای که در آن علم و فناوری، ابزارهای اصلی پیشرفت پایدار و اقتدار ملی به‌شمار می‌روند.»